

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا)

جلسه ۵۲

۱۳۹۵ / ۰۱ / ۲۳

- نکوهش آرزو
- نحوه شکل‌گیری آرزو در انسان
- آرزوهای پیش برنده، آرزوهای بازدارنده
- آرزوی مرگ، محک صدق ایمان
- کوتاهی عمر، آرزوی دراز را بی‌معنا می‌کند
- جهل، منشأ آرزوی دراز
- تفاوت آرزوی کوتاه و آرزوی دراز
- آرزوها، نشان‌دهنده شخصیت انسان است
- آرزوی ممدوح و مذموم در دعای ماه رجب
- شب آرزوها
- ماه رجب، ماه استغفار از آرزوهای دراز

الأمل» است؛ یعنی طولانی کردن آرزوها که نقطه‌ی مقابلش هم کوتاه کردن آرزوها است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَاللَّهُ

نکوهش آرزو

در شرح دعای هشتم صحیفه، به این فراز رسیدیم: «وَنَمُدُّ فِي آمَانِنَا»؛ خدایا به تو پناه می‌بریم از اینکه آرزوهایمان را دور و دراز قرار دهیم.

از جمله چیزهایی که انسان باید از آن به خدای متعال پناه ببرد و توبه کند، آرزوهای طولانی است. آمال جمع «أمل» است که در فارسی به معنای آرزو است. «نمد» از مدّ یمدّ به معنای کشیدن است. وقتی انسان چیزی را می‌کشد و دراز می‌کند، می‌گویند: «یمدّه». آنچه بیشتر در روایات ما در مورد آرزو آمده، با واژه «طول» آمده است: «طول الأمل». نقطه مقابلش «قصر

نحوه شکل‌گیری آرزو در انسان

ابتدا بحثمان را در مورد آرزو مطرح می‌نماییم و سپس تحلیلی درباره طول آرزوها از نظر ریشه‌شناسی و منشأشناسی خواهیم داشت. بعد از آن نیز به برخی از آثار و عوارض این آرزوهای دور و دراز اشاره خواهیم داد. در پایان نیز بحث مدیریت و اصلاح آرزوها را بیان خواهیم کرد.

آرزوها کشش و جاذبه‌ای است که در دل انسان پیدا می‌شود نسبت به آنچه نیاز واقعی یا نیاز پنداری او است. این کشش و جاذبه عبارت است از آرزو یا شوق اُکید. شوق اگر در انسان نسبت به کسی یا چیزی استوار و مؤکد شود، می‌شود آرزو. به

می‌شود. این کشش گاهی مبنای واقعی دارد، در تحلیل می‌گوییم مبنایش یک نیاز واقعی است؛ زیرا چیزی که ما را به هدف گره می‌زند، نیاز ما است؛ لذا آرزوهای ما برخاسته از نیازهای ما است که از نظر ریشه ممکن است نیاز بیولوژیک، طبیعی، جسمی، روانی یا روحانی باشد. نیازها وقتی در وجود انسان فعال شود، برای او هدف تولید می‌کند و انسان را به سمت آن هدف حرکت می‌دهد و از دل این هدفها آرزو تولید می‌شود. آرزوها در واقع بین نیازها و هدفها قرار می‌گیرد و به عنوان پلی است بین نیازها و اهداف. نیازها ممکن است واقعی باشند و ممکن است پنداری. نیاز واقعی مثل نیاز به آب است که انسان وقتی تشنه می‌شود، آرزوی آب را دارد. گاهی

معنای طلب بسیار نزدیک است و واژه‌های دیگری نیز وجود دارد که این معنا را گزارش می‌کند؛ از جمله واژه رجاء و تمنا. البته هر کدام از بُعدی از نظر شناخت واژه‌ها، معانی متنوع و متفاوتی دارند. به عنوان مثال کلمه رجاء بیشتر در جنبه مثبت آرزوها استفاده می‌شود؛ اگرچه در جنبه منفی نیز کاربرد دارد. أمل بیشتر با گرایش منفی استفاده می‌شود؛ اگرچه با جنبه مثبت نیز استفاده می‌شود. کلمه تمنا نیز این‌گونه است؛ منتها در قرآن کریم و کلمات اولیا خدا و روایات، بیشتر به صورت منفی به کار رفته است. این کشش به سمت چیزی یا کسی وقتی که او برای ما نوعی مقصد تلقی شود و دل ما را به سمت خودش بکشد و جذب کند، با عنوان آرزو تعبیر

کاملاً خود را به جای نیازهای واقعی می‌گذارد.

در اینجا بحث جدی وجود دارد که عمده سرگشتگی انسان در نیازهای پنداری است و دامنه‌اش هم در بخش نیازهای طبیعی دیده می‌شود. به این معنا که نفس وارد می‌شود و توسعه می‌دهد و جاذبه ایجاد

می‌کند، مثل کاری که در ارتباط با خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها می‌کند که انسان با حدی از اینها نیازهای واقعی‌اش تأمین می‌شود، اما از آن حد که بالاتر می‌رود، در حوزه نیازهای واقعی نیست و نیازهای پنداری است و جزء تولیدات نفس است. اینجا است که لغزش‌گاه‌های اصلی انسان ایجاد می‌شود.

در ارتباط با حوزه روان نیز همین طور است. ما فهرستی داریم که نیازهای واقعی روانی ما است و

نیاز روانی است، مثل نیاز به آرامش و امنیت خاطر، نیاز به احترام و عزت.

بالاتر از نیازهای مادی و روانی، نیازهای روحانی است؛ نیازهایی که در اعماق فطرت ما است؛ مثل نیاز به جاودانگی، عطش به حقیقت که نیاز به حق تعالی است.

از مجموعه نیازهای واقعی ما، آرزوهای واقعی تولید می‌شوند؛ چه مادی و چه معنوی؛ چه روانی و چه روحانی. در مقابل اینها نیازهای پنداری است که محصول قوه خیال و وهم ما است که از اختراعات انسان است. در این نیازها یک نوع شبیه‌سازی نیازهای واقعی وجود دارد؛ به گونه‌ای که این نیازها واقع‌نما هستند و واقعیت ندارند؛ ولی نفس آن‌قدر خوب توانسته است شبیه‌سازی کند که

انسان از طریق آرزوها و تولید نیازهای غیر واقعی است. قرآن می‌فرماید: «يَعِدُّهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» [۱] شیطان به آنان وعده می‌دهد، و ایشان را در آرزوها می‌افکند، و جز فریب به آنان وعده نمی‌دهد». کار شیطان این است که وعده می‌دهد و در انسان تولید تمنا می‌کند. البته کار شیطان همه‌اش فریب است که می‌تواند عالم مجاز را به جای عالم واقع جا بزند. در روایت داریم: «الْأَمَلُ سُلْطَانُ الشَّيَاطِينِ عَلَى قُلُوبِ الْغَافِلِينَ» [۲] آرزوی دور و دراز مایه سلطه شیاطین بر دل‌های غافلان است». وسیله تسلط شیاطین بر دل انسان‌های غافل همین آرزوها است.

آرزوهای پیش برنده، آرزوهای بازدارنده

بخشی نیز وجود دارد که تمایلات نفس است که شبیه‌سازی کرده و پیش روی انسان قرار داده است. بنابراین فهرست طولانی داریم از آرزوها که بخشی از آن آرزوهای واقعی است و بخشی واقعی‌تی ندارند؛ بلکه پنداری‌اند که به جای نیازهای واقعی جاسازی می‌شود. این آرزوها انسان را به سمت خود می‌کشد. اینجا شیطان بسیار فعال می‌شود و عمده عملیات شیطان در تولید نیازهای پنداری است. در زمانه ما این عملیات بسیار گسترده و عجیب شده و این منطقه دائماً در حال توسعه است. راز این توسعه این است که هر آرزویی که تولید می‌شود، اشتغال قلبی و غفلت حاصل می‌کند و به همین نسبت شیطان توانسته است تسلطش را بر انسان توسعه دهد. سلطنت شیطان بر

طبق توضیحی که داده شد، آرزوها ارزش‌گذاری می‌شوند: آرزوهای پیش‌برنده، آرزوهای بازدارنده یا آرزوهای ممدوح و آرزوهای مذموم؛ آرزوهایی که در زمره فضائل‌اند و آرزوهایی که در زمره ردائیل‌اند؛ آرزوهایی که رحمتند و آرزوهایی که نعمت‌اند. متنها بیان تکمیلی لازم است که عبارت است از: اگر آرزو ۱. ریشه در واقعیت داشته باشد؛ ۲. خردمندانه و مورد تأیید عقل باشد؛ ۳. همراه با عمل باشد؛ آرزوی ممدوح محسوب می‌شود که آمیخته با صدق و راستی است. در روایت از آن با عنوان «رجاء صادق» تعبیر می‌شود. غیر از این هر چه که باشد، رجاء مکذوب و دروغین است که عدل آن غرور و فریب می‌باشد. اگر آرزو ریشه واقعی داشته باشد، تجویز خرد را نیز داشته باشد، اما با عمل همراه نباشد، در فهرست رجاء مکذوب قرار می‌گیرد؛ مثل اینکه انسان آرزو کند دانشمند شود. این آرزو ریشه‌اش واقعی است؛ زیرا طلب علم از واقعیت سرچشمه می‌گیرد و خرد نیز عیارسنجی می‌کند و مطابق هر سنی پیشنهادی دارد و در نتیجه تأیید می‌کند. اما در عنصر سوم؛ اگر انسان برای طلب علم عزم خود را جزم کرد و اهل عمل شد، معلوم می‌شود که این، رجاء صادق بوده است. اما اگر عمل نکرد و اهل عمل نبود و تنبلی کرد و وقت نگذاشت، طبق قاعده‌ای که بیان شد، این، جزء غرور و رجاء کاذب می‌شود.

حالت دیگر این است که ریشه‌اش واقعی باشد، ولی خرد تأیید نکند؛ مثل اینکه انسان برای استواری توان و سلامتی

آرزوی پنج نوع غذا داشت، با فرض اینکه به سویس نیز حرکت کردید، این نیز ذیل آمال فاسده قرار می‌گیرد.

پس معیار این است که باید نیاز واقعی باشد، و تجویز خرد نیز باشد. خرد در اینجا به معنای «الْعَقْلُ شَرْعٌ مِنْ دَاخِلٍ وَ الشَّرْعُ عَقْلٌ مِنْ خَارِجٍ» [۳] و «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ، حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» [۴] است. نکته سوم اینکه همراه با عمل باشد.

در آیه‌ای پیرامون رجاء صادق داریم: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» [۵] بگو من هم مثل شما بشری هستم و [لی] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس هر کس به لقای

به تغذیه نیاز دارد، آرزوی غذا داشتن از این جهت جزء نیاز واقعی قرار می‌گیرد، پس عقل نیز آن را تأیید می‌کند. حرکت هم می‌کنم و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنم؛ پس در نتیجه با عمل نیز همراه است. این مسیر، این آرزو را جزء آرزوهای صحیح و بدون اشکال قرار می‌دهد.

اما اگر عنصر خردمندانه اینجا زیر سؤال رود و با مشکل مواجه شود، برای مثال چیزی در اینجا وجود دارد که در سبد غذاها وجود دارد و نفس نیز به آن تمایل دارد، اما خارج از غذاهای مفید است، آن آرزویی که به سوی او داشتید، جزء آرزوهای مکذوب است. یا چنانچه بیش از اندازه مورد نیاز مصرف کردید، به عنوان مثال انسان با یک نوع غذا نیازش تأمین می‌شود، اگر به سراغ پنج نوع غذا رفت و

که شما دوستان خدایید، نه مردم دیگر، پس اگر راست می‌گویید، درخواست مرگ کنید. اگر خداوند را دوست دارید، آرزوی مرگ کنید؛ زیرا مرگ شما را به دیدار خدای متعال می‌برد. در آیه بعد فرمود: «وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ؛ و[لی] هرگز آن را به سبب آنچه از پیش به دست خویش کرده‌اند، آرزو نخواهند کرد و خدا به [حال] ستمگران دانا است».

در جایی دیگر خداوند در مورد یهود می‌فرماید: «يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ؛ [۸] هر یک از ایشان آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند». خداوند در همان آیه می‌فرماید: «وَمَا هُوَ بِمُرْخَازِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ؛ با آنکه اگر چنین عمری هم به او داده شود، وی را از عذاب دور نتواند

پروردگار خود امید دارد، باید به کار شایسته پردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد». خداوند می‌فرماید اگر کسی آرزوی رسیدن به خداوند را دارد، باید عمل کند و عملش نیز شرط دارد؛ باید صالح و خالص باشد که صالح مربوط به حسن فعلی می‌شود و خالص به حسن فاعلی.

آرزوی مرگ، محک صدق ایمان

عده‌ای معتقد بودند که ما جزء دوستان خدا هستیم. برخی از یهودیان می‌گفتند: «نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ؛ [۶] ما پسران خدا و دوستان او هستیم». به اینان خطاب شد: «قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ [۷] بگو ای کسانی که یهودی شده‌اید، اگر بپندارید

کوتاهی عمر، آرزوی دراز را بی‌معنا می‌کند

وقتی کلمه طول به امل ضمیمه می‌شود، عنصر عقل را زیر سؤال می‌برد؛ زیرا انسان با واقعیت دیگری به نام اجل روبرو است؛ مرگی که معلوم نیست چه زمانی به سراغ انسان می‌آید.

مدت حضور ما در دنیا در فرض یک زیست تمام‌عیار، حدود هشتاد سال می‌شود که خیلی کم و کوتاه است. در حالی که در جایی زندگی می‌کنیم که در اطرافمان چیزهایی وجود دارد که چند میلیون سال عمر کرده است؛ پس عمر هشتاد سال بسیار محدود است. تازه به فرض اینکه همه‌ی این عمر را داشته باشیم.

چقدر به ابزار و تمتعات و

داشت». هر چقدر هم که در دنیا باشند، باعث نمی‌شود بین اینها و عذاب خداوند مانع شود. لذا بهترین دوستان خداوند که مدال گرفتند، مجاهدان در راه خدا بودند؛ مخصوصاً کسانی که به شرف شهادت نائل آمدند؛ زیرا کسی که به میدان جهاد می‌رود، تمنای مرگ دارد. محک صدق ایمان، جهاد است. قرآن نیز می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» [9]

از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند».

دایره نیازها و آرزوهای پنداری قرار می‌گیرد که در واقع سراب است: «كَسْرَابٍ بَقِيْعَةٌ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً»؛ [۱۰] چون سرابی در زمینی هموار است که تشنه آن را آبی می‌پندارد». حضرت از این آرزو به خداوند پناه می‌برند.

جهل، منشأ آرزوی دراز

«طول الأمل» کار خود ما است؛ لذا حضرت فرمودند: «وَنَمَدَّ فِي أَمَانِنَا» آرزوها واقعیاتی هستند که در شخصیت ما است؛ ولی طولانی کردن آنها از جهل سرچشمه می‌گیرد. حب دنیا و جهل وقتی در کنار هم قرار بگیرند، «طول الأمل» تشکیل می‌شود؛ اما وقتی با عقل هماهنگ شود، «قصر الأمل» می‌شود. آن وقت است که آرزوها به اندازه است. کل آرزوهای دنیایی ما با تمام

بهره‌های زندگی نیاز داریم؟ اینها را که کنار بگذاریم، بقیه در دایره «طول الأمل» قرار می‌گیرد. پاسخ ما به انبیا و اولیا در مورد اینکه چقدر در دنیا حضور خواهی داشت، نمی‌دانم است، و به محض دادن این پاسخ، «طول الأمل» معنای دیگری خواهد گرفت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود اسامه گرفتار «طول الأمل» شده؛ زیرا کنیزی برای مدت هشت ماه تهیه کرده است. اما من وقتی پلکم را باز می‌کنم، حدس می‌زنم که وقتی پایین می‌آید، اجل باشد و چه بسا کسانی که ساختند و ساکن نشدند.

پس هرگاه طول با امل همراه شد، می‌رود ذیل آرزوهای مذموم؛ زیرا نفس تأیید می‌کند، اما عقل تأیید نمی‌کند و می‌گوید این با معیارهای خرد همراه نیست و در

را کنارش کاشتند و سومی را با فاصله‌ای بیشتر در زمین قرار دادند. سپس از اصحاب پرسیدند: اینها چیست؟ اصحاب فکر کردند و پاسخی ندادند و از حضرت خواستند تا خودشان پاسخ دهند. ایشان فرمودند: اولی آدم است، سومی آرزو است و دومی مرگ و اجل. [۱۱] حضرت تمثیلی برای طول امل ارائه کردند. اجل می‌آید و رشته آرزوها را قیچی می‌کند و اگر آرزویی باقی مانده باشد، در روان انسان به حسرت تبدیل می‌شود.

تفاوت آرزوی کوتاه و آرزوی دراز

فرق آرزوی دور و دراز با آرزوهای کوتاه این است که آرزوهای کوتاه رشته‌های نازکی است که پیونددهنده با نیازهای واقعی در دنیا است که آماده گسستن

ظرفیتش اگر فعال شود، شاید از کل شخصیت ما به اندازه یک جوراب پوشش می‌دهد و باقی‌اش عریان می‌ماند؛ چون ما عازم به آخرتیم و این طرف موصوف به فنا است و آن طرف موصوف به بقا. به قول مولوی: «خواننده‌ای انا الیه راجعون، تابدانی که کجاها می‌رویم؟».

با وجود این، نیازهای روان و فطرت، و به عبارت دقیق‌تر، نیازهای روح ما، کجای تمنای ما است؟ آنها کجای سبدهای زندگی ما است؟ در سبد زندگی ما نیازهای عرفانی، روحانی و معنوی کجا است و چقدرش را پوشش می‌دهد؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشسته بودند و اصحاب دور ایشان حلقه زده بودند. حضرت از روی زمین سه چوب نازک برداشتند، اولی را جلوی خودشان کاشتند، دومی

لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ؛ [۱۳]
 خدایا دوری از خانه فریب، و بازگشت به خانه جاویدان، و آمادگی برای مرگ پیش از رسیدن آن را روزی‌ام گردان».

آرزوهای دور و دراز - یعنی وقتی محاسبه می‌کنیم که اگر بخواهیم به این آرزوها برسیم، باید چندصد سالی در دنیا باشیم - به ریسمان‌ها و زنجیرهایی بین دل ما و دنیای ما تبدیل می‌شود. اما در آنجا که آرزوها کوتاه و تعدیل‌شده و خردمندانه بود، تارهای نازکی است که وقتی اجل بیاید، به راحتی قیچی می‌شود. در مقابل، «طول الأمل» مثل طناب‌های محکمی است که نمی‌شود به آسانی آنها را قیچی کرد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دعای کمیل می‌فرماید: «وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي وَ حَبْسَنِي عَنِ نَفْعِي بَعْدَ أَمْلِي»؛ آرزوها

هستند؛ لذا وقتی مرگ آمد، به راحتی آنها را قیچی می‌کند؛ بنابراین این افراد مرگشان بسیار راحت است و در روایت داریم که مرگشان مثل تشنه‌ای است که یک جام آب گوارا را بنوشد که با این نوشیدن، از این دنیا به آن دنیا منتقل می‌شود. البته این مرگ انسان‌های متوسط است. بهتر از اینها را در مورد کمترین گفته‌اند؛ اما همین اوساط اگر زاهد باشند و مهیا باشند و حالت تجافی [۱۲] داشته باشند، مرگشان آسان است. حالت تجافی حکایت از «قصر الأمل» دارد؛ به این معنا که انسان در دنیا فعالیت‌های عادی و جاری دنیایی را دارد، اما سبک است و اجل را پیش‌بینی کرده و آماده پرواز است. در دعا هم می‌خوانیم که: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِيَّ عَنِ دَارِ الْغُرُورِ وَ الْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ الْاسْتِعْدَادَ

این بحث، بحث عادی نیست و از بحث‌های بسیار فنی و جدی است.

آرزوها، نشان‌دهنده شخصیت انسان است

آرزوها، پشت پرده واقعیت شخصیت هر انسانی را نشان می‌دهد. علما می‌گویند شما آرزوهایت را فهرست کن تا من بگویم تو چه کسی هستی. یکی از بهترین راه‌ها برای خودشناسی و معرفت نفس، شناخت آرزوها است. کسی که آرزوهایش را خوب بشناسد، توانسته است خودِ واقعی‌اش را خوب بشناسد.

آرزوی ممدوح و مذموم در دعای ماه رجب

«خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ
وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ؛
آنان که بر غیر تو بار یافتند

مرا نشانده است. این بخش از دعا زبان حال ما است. اما بخش‌هایی هست که زبان حال خود حضرت است، آنجا که می‌فرماید: «صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ
فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَ هَبْنِي (يَا إِلَهِي) صَبَرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ...».

زنجیرها ما را زمین‌گیر کرده است و نمی‌گذارد تکان بخوریم: «وَ حَبَسَنِي عَنِ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي» آرزوی دور و دراز من باعث شده است که از سود واقعی باز بمانم. «طول الأمل» که متصل به نیازهای دنیایی است، محصولش هلاکت و قعود در دنیا و جهنم است و مرگش هم سخت است؛ چون باید یکی‌یکی طناب‌ها و ریسمان‌ها را قیچی کنند تا انسان رها شود. و چه رنج و عذابی دارد! همه‌ی اینها به مسئله‌ی آرزوها برمی‌گردد.

خداوند متعال می‌گوید: «یا
أَمَلِ الْمُشْتَاقِينَ، يَا غَايَةَ آمَالِ
الْعَارِفِينَ»، به این تریب آرزو را
پرورش می‌دهد و دیگر چیزی
در این دنیا نیست که موضوع
آرزوی مؤمن قرار بگیرد، آرزوی و
غایت آمال عارفان تویی.

«بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ وَ خَيْرُكَ
مَبْدُولٌ لِلطَّالِبِينَ وَ فَضْلُكَ مَبَاحٌ
لِلسَّائِلِينَ وَ تَيْلُكَ مُتَاحٌ لِلْأَمَلِينَ؛
در رحمتت به روی مشتاقان باز
است، خیرت به خواهندگان عطا
شده، احسانت برای نیازمندان گوارا
است، و عطایت برای آرزومندان
آماده است». از آن سو همه چیز
آماده است و هیچ مانعی وجود
ندارد: «رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ
عَصَاكَ وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ
نَاوَاكَ؛ و روزی‌ات حتی برای
روگردانان از فرمانت گسترده است
و بردباری‌ات کسانی را که به
دشمنی‌ات برخاسته‌اند نیز شامل

نامید گشتند». این دعای ماه
رجب، مربوط به بحث آرزوها
است. هرچه آرزو غیر از او داشته
باشی، ناامیدی و خسارت کامل
است: «ضَاعَ الْمُتْلِمُونَ إِلَّا بَكَ وَ
أَجْدَبَ الْمُتَّجِعُونَ إِلَّا مَنْ أَنْتَجَعَ
فَضْلَكَ؛ و آنان که به درگاه غیر
تو وارد شدند به تباهی رسیدند.
و سودجویان دچار قحطی شدند،
مگر آنان که از فضل تو سود
جستند». در قحطی می‌مانی، مگر
اینکه به آب گوارای وصال حق
برسی.

اما از آن طرف این درها به
روی ما باز است: «بَابُكَ مَفْتُوحٌ
لِلرَّاغِبِينَ؛ در رحمتت به روی
مشتاقان باز است». هنر انسان
مؤمن این است که آرزوی خود
را از این دنیای کم و کوتاه و متاع
قلیل بردارد و به سمت حضرت
حق بفرستد.

مؤمن در دعای کمیل به

آرزوها است که آرزوی موحدین است. «وَأَرْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ» یعنی من اهل اجتهاد و کوشش برای رسیدن به چنین قله‌ای باشم. «وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ» یعنی در دام «طول الأمل» و آرزوهای دور و دراز، بی‌خاصیت، سراب‌گونه، غرورآمیز و دنیایی قرار نگیرم. ان‌شاءالله به حق امام هادی (علیه السلام) این دعای امام سجاد (علیه السلام) برای همه‌ی دوستان مستجاب شود.

شب آرزوها

رغائب از کلمه‌ی رغبت است. تمام شب‌های مؤمن «لیلة الرغائب» است؛ اما اولین شب جمعه ماه رجب المکرم، ابواب ویژه‌ای از فیض و فضل الهی گشوده می‌شود. این شب اعمال و آدابی دارد که با بحث نیز

می‌شود. بد هم که باشند، بدی هم کرده باشند و گرفتار آرزوهای دور و دراز هم شده باشند، گرفتار کم‌حیای و بی‌حیایی هم شده باشند، باز هم در آغوش حق جا دارند؛ فقط باید حرکت کنند و خودشان را برسانند: «عَادَتْكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَ سَبِيلَكَ الْإِبْقَاءَ عَلَى الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ فَاهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ وَ أَرْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ وَ اغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ؛ شیوه‌ات به بدکاران، احسان، و روش‌ت زندگی بخشیدن به متجاوزان است. خدایا مرا به راه‌ره‌یافتگان بدار، و تلاش تلاش‌گران را روزی‌ام فرما، و مرا از بی‌خبران دورشده قرار مده، و روز جزا آمرزشت را نصیبم کن». «هُدَى الْمُهْتَدِينَ» این است که حق آرزوی ما شود. توحید در

ساده برخورد می‌کند و آن را کش می‌دهد و به زنجیر قلبی و باطنی برای خود تبدیلش می‌کند؟

پس آرزوهایی که مغایر با جهتگیری ما به سوی ابدیت است، باید حذف شود و برخی باید تعدیل شود؛ زیرا گفته نشده است که آرزوی دنیایی نداشته باشید، بلکه گفته شده است باید آرزو کوتاه و سبک باشد؛ به طوری که هنگام مرگ، بار و سنگینی آن احساس نشود.

ماه رجب فرصت خوبی است برای اینکه ذیل همین دعاها، آرزوهای خود را حقیقی کنیم. ماه رجب ماه استغفار است، یکی از مهم‌ترین توبه‌ها، توبه از آرزوهای کش‌دار و اضافه و زیادی‌ها است. استغفار، باز کردن این بندها است.

مشکل ما عمدتاً در محور عمل

تناسب دارد و آن تصعید (بالا رفتن)، تعدیل، تطهیر، تزکیه و تبیین اصول مدیریت آرزوها است.

لیلة الرغائب برای این است که انسان آرزوهایش را وارد واحد قرار دهد و همه‌ی آرزوهای ما آرزوی واحدی شود؛ همان چیزی که در دعای کمیل می‌گوییم: «أُورَادِي كُلُّهَا وَرَدًا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا»، یعنی انسان به جایی برسد که بگوید خداوند تنها آرزوی من است: «يَا أُمَّلِي وَبُغْيَتِي» این معنای حقیقی لیلۃ الرغائب است.

ماه استغفار از آرزوهای دراز

در مورد آرزوهای دنیایی فرموده‌اند متناسب با واقعیت دنیا باشد. این کجا و آن کسی که حریصانه با این موضوع

نیستند؛ بلکه قاعده‌ای است که در بین متکلمین و فقهای اسلام مطرح گردیده و مورد پذیرش معتزله و شیعه قرار گرفته است. مضمون این قاعده آن است که احکامی که از ناحیه شرع مقدس صادر می‌گردد، همگی بر طبق جلب مصالح و دفع مفاسد است. بنابراین آنچه مورد تأیید شرع است، مورد تأیید عقل نیز می‌باشد. علاوه بر این، احکام عقل نیز مورد قبول شرع است.

[۵]. كهف: ۱۱۰.

[۶]. مائده: ۱۸.

[۷]. جمعه: ۶.

[۸]. بقره: ۹۶.

[۹]. احزاب: ۲۳.

[۱۰]. نور: ۳۹.

[۱۱]. ورام ابن ابی فراس، تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۲۷۲.

[۱۲]. وقتی به نماز جماعت دیر

برسیم، در رکعت دوم امام جماعت

که رکعت اول ما است، هنگام

تشهد به حالت نیم‌خیز می‌نشینیم.

به این حالت، تجافی می‌گویند؛

یعنی حالت نیم‌خیز و آماده

برخاستن بودن.

[۱۳]. روایت شده است که حضرت

زین العابدین (علیه السلام) این دعا

را در شب بیست و هفتم ماه مبارک

رمضان، از اول تا آخر شب مکرر

می‌خواند.

است، عمل برنامه‌ریزی متناسب می‌خواهد. خیلی از جاها که مشکل داریم، گیر در برنامه‌ریزی متناسب است. انسان‌های تبیل عمدتاً با «سَوْفَ سَوْفَ» زندگی می‌کنند و هنرشان در تعلیق است. از فردا، از ماه آینده، از سال آینده، پردازش شیطان این‌گونه است. در این مواقع باید از عمل متوازن و مستمر استفاده نمود. در بعضی روایت داریم که انسان فلان کار را چهل بار انجام دهد؛ عدد چهل یعنی استمرار برای رسیدن به استقرار.



منابع و ماخذ

[۱]. نساء: ۱۲۰.

[۲]. آمدی، غرر الحکم، حدیث ۷۲۰۶.

[۳]. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ذیل واژه «عقل».

[۴]. جمله‌های «کَلِمَا حَکَمَ بِهِ

الشَّرْعَ حَکَمَ بِهِ الْعَقْلُ وَ کَلِمَا حَکَمَ

بِهِ الْعَقْلُ حَکَمَ بِهِ الشَّرْعَ» حدیث



افوغها؛ درنگی بر مسائل تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء

(۱۷ ماه دوم سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر